



بازرگان

و تقابل علم و دین با ایمان

بازرگان معضلی ب رای آنها بود، در دیندارباش هیچ شک نبود ولی به ایمان رسمی حکومتی باور نداشت. به امر مقدس آن روزگار جامعه باور و اعتقاد نداشت و در جهت تزلزل ایمان مومنین به آن هم تلاش میکرد؛ مومنینی که دین را مغلوب ایمان خود کرده بودند و هر پیرایهای میتوانستند بر دین میبستند و مهمترینش انحصار تفسیر از دین به دست فقها بود که به هیچ عنوان با باورهای بازرگان سازگاری نداشت. ایمان شورمندانه این نومومنان؛ ایمان مبتنی بر شور منهای شعوری بود که نه از متن مقدس که از سخنان یک رهبر مذهبی و ناقلان سخن ور گفتمان او اخذ شده بود. بازرگان سالها در محدودیت سعی کرد وابستگی معرفتی ایمان با عقل و دین را ترویج کند. هرچند حداقل در زمان حیات خود چندان موفق نبود و فقط سالها بعد که بخشی از جامعه از شور به تنگ آمده بودند، به بازخوانی بازرگان نشستند.

اصرار مومنین بر اداره جامعه براساس ایمان دینی خود و نه آموزه‌های دینی، بازرگان را در سالهای واپسین به این نظریه رسانید که کارکرد و انتظار از دین در چه سطحی مجاز است تا با نفس دین، با علم و با آموزه‌های راه بشر تعارض نداشته باشد؟ بازرگان میدید که تسلط فقها بر امورات جامعه و اجرای شکلی احکام دینی نه تنها منجر به تعالی جامعه نشده بلکه فساد و دین‌گریزی نیز افزایش یافته است و هرآنچه بازرگان با استناد به آیات در نقد روشهای فقهای حاکم میگفت آنها نیز به استناد روایات از عملکرد خود دفاع و حمله‌ای متقابل میکردند و

از مشروع بودن افعال خود می‌گفتند. در این مقطع، بازرگان به بخشی از دیدگاههای اولیه خود بازمیگردد، جان قصه خدا و آخرهدف بعثت انبیا این است که مومنین اگر بیش از حوزه شخصی خود بخواهند دین را در جامعه غالب سازند، بیگمان روایتی را که میبستند و لزوما دینی نیست، به‌عنوان روایت مطلق و غیرقابل تردید ابلاغ خواهند کرد و در این میان مزاحم دیگر مومنین و ناقض دیگر روایتها خواهند شد. بیش و پیش از کفر با روایتهای دینی رقیب خواهند جنگید و این جنگ را نیز جامه مقدس می‌پوشانند.

این نگرانی برای حیثیت دین که با دغدغه‌های بازرگان برای آینده ایران تشدید هم میشود وی را به آخرین منزل گفتمان خود رسانید که بیشتر عارفانه و شخصی است و هدف رسالت انبیا را تعالی هر فرد کما هو فرد میداند و هدایت جمعی را خارج از کارکرد دین می‌شمارد. این نگاه جدید بازرگان، اگرچه توسط او با گزاره‌هایی موید از متن مقدس اثبات میشود اما واقعیت آن است که به همان اندازه نیز منتقدان میتوانند آیاتی در خلاف این نگاه بشمارند؛ عمر بازرگان کفاف نداد تا نگاه متاخر خود را از منظر برون دینی و ناوابسته به متن نیز تبیین کند.

بازرگان روایتی کامل از مسیر روشنفکری دینی ایران است، راه انبیا را راه بشر میخواند، با تفسیر علمی از دین و عشق و پرستش ترمودینامیک انسان تلاش میکند تا اثبات کند پیامبران به دنبال همان چیزی بودند که مردمان با علم به آن رسیدند و جامعه مدرن به نوعی همان غایت خواسته‌های پیامبران است. مهندس بازرگان از قانون بقای ماده و انرژی، قیامت و آخرت را برداشت میکرد و احکام مطهرات و نجاسات را در تطبیق با علوم پزشکی میدید. این خوانش بازرگان برخلاف بسیاری دیگر از روشنفکران مذهبی بر پایه متن مقدس بنا شده بود؛ متنی که در میان شیعه و علمای مذهبی آن چندان مورد استفاده نبود چون تکیه بر آن فاقد ابزارهای هویتی شیعی میشد و در میان روشنفکران هم معقول بود چون بسیاری همچون دکتر شریعتی روایتهای اجتماعی و داستانی از مذهب را به نص ترجیح میدادند.

بازرگان همچنان میکوشید تا متدی علمی از تفسیر متن مقدس عرضه کند با تفسیر براساس سیر نزول عملا روایتی هرمنوتیکی از شرایط و زمان ایجاد متن به دست دهد تا پیوستگی آن را نیز بتوان براساس شرایط زمانی تفسیر کرد. از تمام این رویکرد علمی به دین، مهندس بازرگان میخواست تا راهبردی برای زیست انسان مسلمان در جهان مدرن بیابد که بالاترین سازگاری را با کانتکتست مذهب، ملیت و دنیا داشته باشد. در سازگاری ایرانی، بازرگان برای تلفیق پروژه ایران با دینداری مردمانش میکوشد از میان ستیز و سازشکاری که توسط دیگر اندیشه‌ها تبلیغ و تبیین میشد گزاره ای سوم

و نزدیک تر به روحیات خود را معرفی کند. فرآیند تعریف علمی از دین به مرور متاثر از فعالیتهای سیاسی بازرگان و جایگاهش در تاریخ معاصر و در نتیجه انقلاب ایران و تبعاتش تبدیل شد به درک رحمانی از دین و روایت آزادی‌خواهانه از اسلام، پیش از انقلاب قلمروی دین که هر روز در برابر علم کوچکتر و حقیرتر میشد و روزهایی فقط به مدد تلاشهای امثال بازرگان میان دینداری و علم باز مانده بود که ناگهان بر اثر انقلاب، دین با رشدی نامتقارن تمام سپهر اجتماعی را اشغال کرد و دیگر بحث بر سر تعامل این دو نبود که اگر در ریاضیات و هندسه نیز کوچکترین تعارضی با یکی از احادیث کشف میشد، مومنان جدید شکی در سوزاندن کل آن علم نداشتند و علومانسانی نظیر جامعه‌شناسی و فلسفه نیز اگر به مدد تلاشهای بازرگان و امثال او و اعتماد بخشی از الیت جامعه دینی به ایشان نبود حتما در میان درسهای حوزوی حل و محو میشد. بازرگان در این مقطع بسیار کوشید دین را از ایمان جدا کند، تبیین کند که اسلام به ذات خود ندارد عیبی و هر عیب که هست از مسلمانی ماست. مسلمانان، مومنان و شیعیانی که ایمان خود را عین دین میدانستند و از ظن خود هرکس را که بر سر راه آن امرمقدس میایستاد، تکفیر و تفسیق میکردند. در این دوران، وجود



علی اکرمی
روزنامه نگار

«علی اکرمی در ۱۰ اسفند
بر اثر بیماری کرونا درگذشت»

ماهنامه چراغ روشن
این مصیبت را به
همسر و خانواده
علی اکرمی
تسلیم می‌گوید